

# حضرت زین العابدین (ع) تداوم بخش عزت و افتخار حسینی

<?xml encoding="UTF-8">

پیشوای چهارم شیعیان علیه السلام بعد از حضور در حماسه افتخار آفرین و عزت بخش عاشورای حسینی، از لحظه ای که در غروب عاشورا با شهادت پدر بزرگوار و سایر عزیزانش مواجه گردید برای ادامه راه آنان، مسئولیت سنگینی را به دوش کشید. امامت امت، سرپرستی اطفال و بانوان، رساندن پیام عاشورا به گوش جهانیان، تداوم مبارزه با طاغوت و طاغوتیان و از همه مهمتر پاسداری از اهداف متعالی امام حسین علیه السلام که موجب عزت و افتخار عالم اسلام گردید، از جمله مسئولیتهای آن امام همام به شمار می آید. امام سجاد علیه السلام که در دوران امامت خویش در محدودیت شدیدی به سر می برد و حاکمان مستبد اموی سایه شوم خود را بر شهرهای اسلامی گسترده بودند و اهل ایمان از ترس مال و جان خود مخفی می شدند، با اتخاذ صحیحترین تصمیمها و موضعگیریهای مناسب و بجا و با استفاده از مؤثرترین شیوه ها توانست از فرهنگ عاشورا و دستاوردهای ارزشمند آن - که همان عزت و افتخار ابدی برای اسلام و مسلمانان و بلکه برای جهان بشریت بود - به صورت شایسته ای پاسداری کرده و راه حماسه آفرینان کربلا را تداوم بخشد و یاد و نام و خاطره سالار شهیدان حضرت حسین بن علی علیهما السلام را جاودانه ساخته و بر بلندای تاریخ ابدی نماید. در این فرصت با مهمترین فعالیتهای آن یادگار امامت در پاسداری از فرهنگ عزت و افتخار حسینی علیه السلام آشنا می شویم:

## 1- خطابه های حماسی و تاثیرگذار

بدون تردید روشنگریهای امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب کبری علیها السلام و برخی دیگر از خاندان حضرت ابا عبدالله علیه السلام بعد از ماجرای غمبار کربلا در تداوم آن نهضت عظیم اسلامی نقشی به سزا داشته است.

مهمترین دستاورد سخنان آن بزرگوار آگاه نمودن مردم غفلت زده، بیدار کردن وجدانهای خفته، افشای جنایات دشمنان اهل بیت علیهم السلام، نمایاندن چهره حقیقی زمامداران ستمگر اموی و انتشار فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام و معرفی آن گرامیان به عنوان جانشینان بر حق پیامبر صلی الله علیه و آله بود. امام سجاد علیه السلام در شهر کوفه با مردم ساده، سطحی نگر، تاثیرپذیر و پیمان شکن آن شهر سخن گفته و بعد از شناساندن خویش و افشای جنایات امویان فرمود: «ای مردم! شما را به خدا سوگند می دهم، آیا شما برای پدرم نامه ننوشتید و آنگاه بی وفایی نکردید؟! آیا با او عهدها و پیمانهای محکم نبستید و سپس با او پیکار کرده و او را به شهادت رساندید؟! وای بر شما! چه کار زشتی انجام دادید، شما چگونه به سیمای رسول الله صلی الله علیه و آله نظاره خواهید کرد، هنگامی که به شما بگویند: فرزندان مرا کشتید، احترامم را از میان بردید، پس، از امت من

نیستید!» هنوز سخنان امام تمام نشده بود که مردم گریه کنان و ضجه زنان همدیگر را ملامت کرده و به نگویند بختی خود، - که خود برگزیده بودند - تاسف خورده و اشک ندامت و پشیمانی می ریختند. (1) مهمترین تاثیر این خطابه را می توان در سال 65 هجری در قیام توابین به وضوح به نظاره نشست.

همچنین پیشوای چهارم هنگامی که در شام به مجلس جشن پیروزی یزید برده شد، ضمن تحقیر خطیب متملق دربار اموی، در کرسی خطابه قرار گرفته و با بهره گیری از زیباترین و بلیغ ترین جملات، فجایع کربلا را بازگو کرده و ضمن افشای چهره زشت جنایتکاران، تبلیغات سوء دشمنان اهل بیت علیهم السلام را خنثی کرده و سیمای سراسر فضیلت و افتخار آل محمد صلی الله علیه و آله را برای مردم نا آگاه شام نمایان ساخت. آن حضرت فرمود: «ایها الناس اعطینا ستا و فضلنا بسبع، اعطینا العلم والحلم و السماحة والفصاحة والشجاعة و المحبة فی قلوب المؤمنین، و فضلنا بان منا النبی المختار محمدا و منا الصدیق و منا الطیار و منا اسد الله و اسد رسوله و منا سبطا هذه الامة و منا مهدی هذه الامة؛ (2) ای مردم! به ما شش چیز عطا شده و به هفت نعمت [بر دیگران] برتری یافته ایم. به ما علم، حلم، جوانمردی، فصاحت، شجاعت و دوستی در دل مؤمنان عطا شده است و ما به اینکه رسول برگزیده خداوند، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و [حضرت علی علیه السلام نخستین] تصدیق کننده [پیامبر صلی الله علیه و آله] و جعفر طیار و [حمزه] شیر خدا و رسول او و حسن و حسین علیهما السلام و مهدی این امت از ما هستند، فضیلت داده شده ایم.»

آن حضرت در ادامه به فضائل بی شمار امیرمؤمنان علیه السلام پرداخته و از چهره درخشان علی علیه السلام به نحو زیبایی دفاع نموده و در خاتمه با معرفی امام حسین علیه السلام، به ذکر مصیبت آن حضرت پرداخت. این سخنان آتشین، منطقی و روشنگر، آنچنان فضای جهل و غفلت و خفقان را درهم شست که یزید در مقام دفاع از خود و سلطنتش برآمد. (3)

امام سجاد علیه السلام خطبه دیگری را نیز در نزدیکی مدینه برای مردمی ایراد نمود که به استقبال قافله خسته دل و دل شکسته حسینی آمده بودند. این خطابه نیز آثار فراوانی در روحیه مردم مدینه گذاشت که یکسال بعد از حادثه عاشورا، قیام خودجوشی از سوی اهالی مدینه بر علیه دستگاه طاغوتی بنی امیه رخ نمود که به «واقعه حره» معروف است.

## 2- گفتگوهای دشمن شکن

امام چهارم علیه السلام در پاسداری از اهداف عاشورا هر جا که احساس می کرد دشمن می خواهد قیام کربلا را زیر سؤال برده و آن حماسه تاریخی را پوچ و باطل جلوه دهد، در مقام دفاع برآمده و با پاسخهای کوبنده با نقشه های شیطانی آنان به ستیز بر می خواست که بارزترین نمونه های آن در مجلس عبیدالله بن زیاد و یزید بن معاویه به چشم می خورد. هنگامی که در مجلس ابن زیاد، حضرت زینب کبری علیها السلام وی را با نطق خویش رسوا نمود، ابن زیاد متوجه امام زین العابدین علیه السلام گشته و پرسید: این جوان کیست؟ گفتند: او علی بن الحسین علیهما السلام است. ابن زیاد گفت: مگر خدا علی بن الحسین را نکشت؟ امام چهارم علیه السلام فرمود: من برادری بنام علی بن الحسین علیهما السلام داشتم که مردم او را به شهادت رساندند.

ابن زیاد گفت: چنین نیست، خدا او را کشت.

امام سجاد علیه السلام آیه «اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْاَنفُسَ...» را قرائت نمود. ابن زیاد از پاسخ صریح امام خشمگین شده و فریاد زد: آیا در مقابل من جرات کرده و پاسخ می دهی؟ او را ببرید و گردن بزنید. حضرت سجاد علیه السلام در ادامه گفتگو فرمود: «ابالقتل تهددنی یابن زیاد، اما علمت ان القتل لنا عادة و کرامتنا الشهادة؛ (4) ای پسر زیاد! آیا مرا به قتل تهدید می کنی؟ مگر نمی دانی کشته شدن [در راه حق] عادت ما و شهادت [برای خدا عزت و] کرامت ماست.»

آن حضرت در مجلس یزید نیز با اینکه اسیر بود، هیچگاه حرکت و یا سخنی که نمایانگر عجز و خواری باشد از خود نشان نداد؛ بلکه همانند آزاده ای با شهامت، عزت و افتخار حسینی را به نمایش گذاشت. آنگاه که یزید در مجلس خویش اسرای کربلا را برای تحقیر و شکستن ابهت و عظمت خاندان آل محمد صلی الله علیه و آله حاضر کرده بود، خطاب به امام سجاد علیه السلام گفت: دیدی که خدا با پدرت چه کرد؟ حضرت فرمود: ما جز قضای الهی که حکمش در آسمان و زمین جریان دارد چیز دیگری ندیدیم. یزد گفت: «انت ابن الذی قتله الله؛ تو فرزند کسی هستی که خدا او را کشت.»

امام فرمود: «انا علی، ابن من قتلته؛ من علی؛ فرزند کسی هستم که تو او را به شهادت رساندی.» و در ادامه با تمسک به آیه قرآن فرمود: «و من یقتل مؤمنا متعمدا فجزاءه جهنم خالدا فیها و غضب الله علیه و لعنه و اعد له عذابا عظیما» (5)؛ و هرکس، مؤمنی را عمدا به قتل برساند مجازات او جهنم است، در آنجا همیشه می ماند، خداوند بر او غضب می کند و از رحمتش دور می سازد و عذاب بزرگی برای او آماده کرده است.» یزید که نتوانست این پاسخهای محکم را - که جهنمی بودن وی را اثبات می کرد - تحمل کند، با خشم و غضب فرمان قتل امام را صادر کرد، اما امام سجاد علیه السلام با قاطعیت تمام فرمود: هیچگاه «فرزندان اسیران آزاد شده» نمی توانند به قتل انبیاء و اوصیا فرمان دهند، مگر اینکه از دین اسلام خارج شوند. (6)

### 3- گریه های تاثرانگیز

امام سجاد علیه السلام برای زنده نگه داشتن خاطره شهیدان کربلا، در مناسبتهای گوناگون بر عزیزانش گریه می کرد. اشکهای حضرت زین العابدین علیه السلام که عواطف را برانگیخته و در اذهان مخاطبان، ناخواسته مظلومیت شهدای کربلا را ترسیم می کرد، آثار پرباری برای تداوم نهضت عاشورا داشت و امروز این روش با پیروی از آن گرامی همچنان ادامه دارد و فرهنگ گریه بر سالار شهیدان عالم، همچنان تاثیرگذار بوده و در پیوند دادن عواطف و احساسات میلیونها عزادار عاشق با راه و هدف حضرت ابا عبدالله علیه السلام مهمترین عامل محسوب می شود. عشق به امام حسین علیه السلام در سوگواریها اشک می آفریند و این گریه های عزت بخش که افتخار شیعه می باشند هر سال در دهه محرم سیمای کشور اسلامی را به حماسه عاشورا نزدیک نموده و قیام امام حسین علیه السلام را در خاطره ها زنده می سازد. حضرت سجاد علیه السلام بنیانگذار فرهنگ سوگواری و گریه در میان مؤمنان، بعد از شهادت پدر ارجمند خویش در حدود 35 سال امامتش به این روش ادامه داد تا جایی که یکی از بکائین پنجگانه تاریخ نامیده شد. (7) وقتی علت این همه اشک و ناله را از او می پرسیدند در جواب می

فرمود: «مرا ملامت نکنید. یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم، پیامبر و پیامبرزاده بود، او دوازده پسر داشت، خداوند متعال یکی از آنان را مدتی از نظرش غایب کرد، در اندوه این فراق موقتی، موهای سر یعقوب سفید شده، کمرش خمیده گشت و نور چشمانش را از شدت گریه از دست داد، در حالیکه پسرش در این دنیا زنده بود. اما من با چشمان خودم پدر و برادر و 17 تن از خانواده ام را دیدم که مظلومانه کشته شده و بر زمین افتادند. پس چگونه اندوه من تمام شده و گریه ام کم شود؟» (8)

#### 4- حمایت از قیامهای طاغوت ستیز

یکی از آثار نهضت جاویدان کربلا، دمیدن روح حماسه و شجاعت و ایثار در میان مسلمانان بود. آنان بالهام از جنبش شورآفرین و حماسه ساز امام حسین علیه السلام و با تاثیرپذیری از خطابه های بیدارگر امام سجاد و حضرت زینب علیهما السلام روحیه اسلامخواهی و طاغوت ستیزی خود را در قالب قیامهای مردمی متبلور ساخته و بر علیه حکمرانان خودسر اموی دست به شورشهایی زدند که در نهایت بعد از مدتی اساس حکومت آنان را متزلزل ساخته و از میان بردند.

شاخصترین این جنبشها بعد از حادثه جانسوز کربلا، سه قیام معروف است که به نامهای قیام توابین، قیام مختار و قیام مدینه در تاریخ مطرح است. رهبران سه قیام، تداوم راه حضرت ابا عبدالله علیه السلام، غیرت دینی، اسلامخواهی و در نهایت محبت شدید به اهل بیت علیهم السلام را در شعارها و خواسته های خود نشان می دادند.

امام سجاد علیه السلام گرچه در ظاهر - به علت خفقان شدید و استبداد حاکم - در این قیامها نقشی نداشت و در حالت تقیه به سر می برد، اما در واقع از رهبران اینها اعلام رضایت کرده و عملاً آنها را تایید می نمود. به عنوان نمونه هنگامی که عده ای از دوستان اهل بیت علیهم السلام به نزد محمد حنفیه آمدند و اظهار داشتند: مختار در کوفه قیام کرده و ما را نیز به همیاری و همکاری فراخوانده است، اما نمی دانیم که آیا او مورد تایید اهل بیت علیهم السلام هست یا نه؟ محمد حنفیه گفت: برخیزید به نزد امام من و امام شما، حضرت سجاد علیه السلام رفته و کسب تکلیف نماییم. هنگامی که موضوع را به عرض امام علیه السلام رساندند، آن حضرت فرمود: ای عمو! اگر غلامی به خونخواهی ما مردم را دعوت به قیام کند، بر همه مردم واجب است که او را یاری دهند و من تو را در این کار نماینده خود قرار می دهم، هر کاری در این زمینه صلاح می دانی انجام ده. آنان به همراه محمد حنفیه از نزد امام خارج شدند، در حالیکه سخنان امام سجاد علیه السلام را شنیده بودند و می گفتند: امام سجاد علیه السلام و محمد بن حنفیه به ما اذن قیام داده اند. (9)

از بهترین روشهای امام سجاد علیه السلام برای پاسداری از فرهنگ عاشورایی اسلام، که حکایت از بینش عمیق و زمان شناسی آن حضرت دارد، عرضه نیایشهای عرفانی و روشنگر می باشد. دعاهاى حضرت سیدالساجدين عليه السلام که در مجموعه های ارزشمندی همچون صحیفه سجادیه، مناجات خمسۀ عشر، دعای ابو حمزه ثمالی، نیایشهای روزانه و... گرد آمده است، دل هر شنونده عارف و اندیشمندی را می لرزاند و توجه به معانی بلند و با شکوه آن، تشنگان وادی کمال و معرفت را سیراب می سازد. در لابلای این عبارات وحی گونه، - گذشته از اینکه مملو از حقایق و معارف حیاتبخش اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و آدمی را با توجه دادن به شگفتیهای آفرینش، با خالق هستی مرتبط ساخته و به روح و جانش صفا می بخشد - فلسفه قیام حسینی تبیین می گردد و انسان نیایشگر ناخواسته از حالت انزوا و خمودی به صحنه مبارزه با طاغوت و ستمگران سوق داده شده و راه عزت حقیقی به وی نشان داده می شود.

در حقیقت آمیزش عرفان و حماسه یکی از بارزترین جلوه های معنوی فرهنگ عاشورا است، همچنانکه سید بن طاووس در مورد عرفان و معنویت عاشورائیان می نویسد: در شب عاشورا، امام حسین علیه السلام و یارانش آنچنان به عبادت و مناجات مشغول بودند که زمزمه های عاشقانه آنان همانند صدای زنبور عسل به گوش هر شنونده ای می رسید. برخی در حال رکوع وعده ای در حال سجده و یا در قیام و قعود بودند. (10)

این نیایشگران عارف همان کسانی بودند که فردای آن روز آنچنان جانبازی کرده و حماسه آفریدند که اهل آسمان و زمین را به تحیر واداشتند. امام سجاد علیه السلام میراث دار این قافله حماسه و عرفان و عشق بود که برای احیا و پاسداری از آن، در مقابل شیطان و شیطان صفتان جبهه ای باطنی گشود و ارتباط حقیقی با آفریدگار جهان را به عنوان یکی از علل و عوامل قیام عاشورا برای تمام انسانهای خداجو و حقیقت طلب عرضه نمود و از این طریق عزت واقعی را به آنان شناساند که «ان العزة لله جميعا» (11)؛ «به درستی که همه عزت از آن خداوند است.»

امام سجاد علیه السلام در بخشی از دعای 48 صحیفه سجادیه به تبیین جایگاه امامان شیعه و مظلومیت آنان پرداخته و عرض می کند: «اللهم ان هذا المقام لخلفائك و اصفیائك و مواضع امنائك فى الدرجة الرفیعة التى اختصاصتهم بها، قد ابتزوها؛ بارالها! این مقام [امامت] شایسته جانشینان و برگزیدگان و امنای تو در درجات بلندی است که خودت آنان را به آن اختصاص داده ای [و غاصبان] آن را به غارت برده اند.»

آن حضرت در فرازی از مناجات محبین به عاشقان عارف و حقیقت طلب چنین می آموزد: «الهی! من ذالذی ذاق حلاوة محبتک فرام منک بدلا و من ذالذی انس بقربک فابتغى عنک حولا، الی فاجعلنا ممن اصطفیتہ لقربک و ولایتک و اخلصته لودک و محبتک و شوقته الی لقاءک؛ (12) خداوند! کیست که شیرینی محبتت را چشیده باشد و بجای تو دوستی دیگران را برگزیده باشد، و کیست که به مقام قرب تو مانوس شده و [بعد از آن] لحظه ای از تو روی گردانیده باشد؟! بارالها! ما را از کسانی قرار ده که برای قرب و دوستی خودت برگزیده ای و آنان را برای مهر و محبت خود خالص گردانیدی و آنان را برای ملاقات خود شائق ساختی.»

مهمترین نکته ای که در نیایشهای امام سجاد علیه السلام جلب توجه می کند، اهتمام آن حضرت به صلوات بر محمد و آل اوست که با توجه به عصری که مبارزه با اهل بیت علیهم السلام و یاران آنان در راس برنامه های

حکومت اموی بوده است و حتی لعن و سب علی علیه السلام و خاندانش همچنان ترویج می شد، شایان دقت است. همچنین نمایاندن عظمت اهل بیت علیه السلام، ارزش محبت آنان و توسل به آنان در آن دوران نوعی مبارزه با دشمنان و مخالفین اهل بیت علیهم السلام به شمار می آید.

## 6- تربیت شاگردان

یکی از مهمترین شیوه های امام سجاد علیه السلام در پیشبرد اهداف قرآن و اهل بیت علیهم السلام، پرورش انسانهای مستعد و آماده کردن آنان برای مبارزه فرهنگی - عقیدتی با معارضان و مخالفان قرآن و اهل بیت علیهم السلام بود. شیخ طوسی در حدود 170 نفر از یاران و شاگردان آن حضرت را فهرست کرده است که بیشتر آنان از امام سجاد علیه السلام بهره های علمی برده و روایت نقل کرده اند. در اینجا به چند تن از چهره های معروف آنان اشاره می کنیم:

1- ابو حمزه ثمالی: وی رهبری شیعیان کوفه را به عهده داشت و در علم حدیث و تفسیر به مراتب عالی دست یافته و مورد علاقه و اعتماد امامان معصوم علیهم السلام قرار گرفته بود. ابو حمزه از جمله یاران نزدیک امام بود که امام سجاد علیه السلام برای اولین بار قبر امام علی را - که تا آن زمان نامعلوم بود - به وی شناساند و او به همراه شماری از فقیهان شیعه به زیارت حضرت علی علیه السلام می رفت. تفسیر قرآن، کتاب نوادر، کتاب زهد، رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، دعای ابو حمزه ثمالی از جمله آثار این شایسته ترین شاگرد مکتب امام چهارم علیه السلام می باشد.

2- یحیی بن ام طویل مطعمی: وی از شاگردان نزدیک امام چهارم علیه السلام بود و با شهامت و جرات تمام، طرفداری خود را از اهل بیت علیهم السلام و دشمنی اش را با ستمگران عصر علنی کرده و بدون واهمه ابراز می داشت. او وارد مسجد پیامبر شده و با کمال شجاعت، در میان مردم حاضر، خطاب به زمامداران مستبد و خودخواه می گفت: ما مخالف شما و منکر راه و روش شما هستیم، میان ما و شما دشمنی آشکار و همیشگی است. (13) و گاهی در میدان بزرگ کوفه ایستاده و با صدای رسا می گفت: هر کس علی را سب کند، لعنت خدا بر او باد. ما از آل مروان بیزار هستیم. (14)

3- محمد بن مسلم بن شهاب زهري: وی که در ابتدا از علمای اهل سنت بود، در اثر معاشرت با امام چهارم و بهره های شایان علمی که از آن حضرت می برد، به حضرت سجاد علیه السلام علاقه شدیدی پیدا کرد و از آن حضرت همیشه با لقب زین العابدین علیه السلام یاد می کرد. امام چهارم نیز از این ارتباط استفاده کرده و در مناسبتهای مختلف او را از یاری رساندن به ستمگران بر حذر می داشت و در نامه مفصلی، عواقب ارتباط و تمایل به زمامداران ستم پیشه را به وی گوشزد نمود. او از افرادی است که بیشترین بهره را از امام چهارم علیه السلام برده است. روزی زهري به حضور حضرت سجاد علیه السلام آمد، امام وی را افسرده و اندوهگین دیده و علت را پرسید. زهري گفت: ای پسر پیامبر! اندوه من از سوی برخی مردم بویژه افرادی است که به آنان خدمت کرده ام ولی آنها بر خلاف انتظار من به من حسد ورزیده و چشم طمع به اموال من دوخته اند.

امام چهارم در ضمن ارائه رهنمودهای راهگشایی، به وی فرمود: «احفظ علیک لسانک تملک به اخوانک؛ اگر از

زبان‌ت مواظبت کنی همه دوستان و آشنایان‌ت در اختیار تو خواهند بود.» آنگاه حضرت افزود: زهری! کسی که عقلش کاملترین اعضا وجودش نباشد، با کوچکترین اعضایش (زبان) هلاک می‌شود.» پیشوای چهارم ضمن اشاره به مهمترین رمز توفیق در زندگی فرمود: اگر دیدی که مسلمانان تو را احترام می‌کنند و بزرگ می‌شمارند، بگو آنها بزرگوارند که با من چنین رفتار می‌کنند و اگر از مردم نسبت به خود بی‌توجهی مشاهده کردی، بگو از من خطایی سر زده که مستوجب چنین بی‌احترامی شده‌ام.

هرگاه چنین اندیشیده باشی و طبق این اندیشه عمل کنی، خداوند متعال زندگی را بر تو آسان کرده، دوستان‌ت زیاد و دشمنان‌ت به حداقل خواهند رسید. در این صورت نیکیهای دیگران تو را خوشحال می‌کند و از بدی و اذیت‌های آنان آزاده خواهی شد. (15)

ابان بن تغلب، بشر بن غالب اسدی، جابر بن عبدالله انصاری، حسن بن محمد بن حنفیه، زید بن علی بن الحسین علیه السلام، سعید بن جبیر، سلیم بن قیس هلالی، ابو الاسود دؤلی، فرزدق شاعر، منهل بن عمرو اسدی، معروف بن خربوذ مکی و حبابه والبیة از جمله معروفترین شاگردان و یاران امام سجاد علیه السلام محسوب می‌شوند که در تداوم نهضت کربلا و رساندن پیام امام سجاد علیه السلام به نسل‌های آینده نقش مهمی داشته‌اند.

همچنین حضرت زین العابدین علیه السلام با گرمی داشتن شعرای متعهد، از آنان به عنوان زبان گویای اهل بیت علیهم السلام بهره می‌برد. کمیت بن زیاد اسدی و فرزدق شاعر از جمله آنان می‌باشند.

پی نوشت ها :

(1) احتجاج طبرسی، ج 2، ص 32.

(2) مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 305؛ بحار الانوار، ج 45، ص 137 و 174؛ معالی السبطين، ج 2، ص 178.

(3) همان.

(4) همان، ص 296.

(5) نساء/93.

(6) شرح الاخبار مغربی، ج 3، ص 253؛ ذریعة النجاة، ص 234.

(7) امالی صدوق، ص 140.

(8) لهوف سید بن طاووس، ص 380.

(9) ذوب النصار، ص 97؛ معجم رجال الحديث، ج 19، ص 109.

(10) لهوف، ابن طاووس، ص 172.

(11) یونس/65.

(12) مفاتیح الجنان، مناجات نهم.

(13) معجم رجال الحديث، ج 21، ص 38.

- 14) اصول كافى، باب مجالسة اهل المعاصى، حديث 16.
- 15) بحار الانوار، ج 71، ص 156.